

« من پشت در ایستاده ام »

باشیم . ما مسیحیان شادی حقیقی را در بودن با مسیح و زندگی کردن با او می توانیم پیدا کنیم ، ایشان به جهان ما آمد تا اینکه ما را شاد کند چنانکه خود او می فرماید: "این چیزها را به شما گفتم تا شادی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد" (انجیل یوحنا باب ۱۵ آیه ۱۱).

بنابراین شادی ما متناسب با اندازه اتحاد ما با عیسی مسیح می باشد. اگر قلب خود را برای او کاملاً باز کنیم طبیعی است شادی ما کاملتر خواهد بود و چنانچه قلب خود را برای او کم باز کنیم شادی ما کمتر خواهد بود و اگر آنرا هرگز باز نکنیم غمگین و افسرده خواهیم بود. پولس رسول که شیفته و عاشق مسیح بود و قلب خود را برای او کاملاً باز نمود تجربیات خود را اینطور بیان می کند: "من با مسیح مصلوب شده ام به طوری که دیگر آنکه زندگی می کند من نیستم ، بلکه مسیح است که در من زندگی میکند" (رساله به غلاطیان باب ۲ آیه ۲۰). و در جای دیگر می گوید : " اما هر چه به نفع من بود آنرا به خاطر مسیح ضرر محسوب می کنم . آری ، علاوه بر این ، همه چیز را به خاطر امتیازی بسیار ارزنده تر ، یعنی شناخت عیسی مسیح خداوند خود زبان میدانم . در واقع من به خاطر او همه چیز را از دست داده ام و همه چیز را هیچ شمردم تا به این وسیله مسیح را بدست آورم و کاملاً با او متحد شوم" (رساله به فیلیپیان باب ۳ آیه ۷-۹).

دوستان گرامی : موضوع این مقاله که در آخرین ماه سال رحمت به حضور شما تقدیم میگردد ، تعمقی در آیه ۲۱ باب ۳ کتاب مکاشفه می باشد. خوب است که بدانیم پیام اصلی «مکاشفه» که توسط یوحنا رسول تدوین شده است دعوتی است به امید ، چون خداوند ما عیسی مسیح با مرگ و رستاخیزش بر تمام دشمنان ما پیروز گشته و با ظهور پر شکوهش در آخرالزمان همه کسانی که به او ایمان داشته و امیدشان به او بسته بودند در زمین جدید و آسمان جدید با او زندگی خواهند کرد. (مکاشفه باب ۲۱ آیه ۱-۴).

عیسی می فرماید: "اینک پشت در ایستاده میکوبم و اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند نزد او در خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من" دری که این آیه به آن اشاره می نماید قلب و زندگی هر یک از ما می باشد. ایستادن عیسی پشت در قلب ما نشانه محبت اوست برای ما . ایشان می خواهد شریک زندگی ما باشد چون عاشق ماست . لیکن نمی خواهد با زور و فشار در را باز کند چون برای آزادی ما احترام قائل است ، به همین دلیل در حال انتظار پشت می ماند تا زمانیکه در را برای ورود او باز کنیم . عیسی می خواهد با ما شام بخورد، شام خوردن با هم نشانه دوستی و صمیمیت است . امروز کسانی را به ضیافت شام دعوت می کنیم که از دوستان و نزدیکان ما هستند تا اینکه با هم شادی کنیم و خوشحال

یگانه خدا باز نمود ، زمانیکه فرشته خداوند مژده میلاد مسیح موعود و نجات دهنده عالم را به او اعلام کرد بیدرنگ پاسخ داد و گفت: "باشد من کنیز خداوند هستم، همانطور که تو گفتی بشود" (انجیل لوقا باب ۱ آیه ۳۸).

از همان لحظه کلمه خدا یعنی شخص دوم سه گانه مقدس که همان عیسی مسیح است در رحم او شکل گرفت و از او متولد شد. "کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید" (انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۱۴).

مریم مقدس به ما یادآوری میکند که توسط فیض روح القدس ما نیز می توانیم عیسی را در زندگی خود بپذیریم و از بودن با او شاد و امیدوار باشیم . «اینک پشت در ایستاده میکوبم و اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند نزد او در خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من». خوشبحال ما اگر در را زود برای او باز کنیم و ایشان را در حال انتظار نگه نداریم .

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران

طبق سخنان پولس رسول ، باز کردن قلب برای مسیح و شام خوردن با او بدین معنی است که ایشان باید در رأس اولویتهای زندگی مان قرار گیرد و هیچ چیزی و کسی را بیشتر از او دوست نداشته باشیم . عیسی فرمود: "هر که پدر یا مادر خود را بیشتر از من دوست داشته باشد لایق من نیست ، و هر کسی دختر یا پسر خود را بیش از من دوست بدارد لایق من نمی باشد" (انجیل متی باب ۱۰ آیه ۳۷).

دوستان عزیز : شاید از خودتان بپرسید : چه باید کرد تا اینکه در زندگی مان و برای عیسی باز کنیم ؟ بهترین کلید که می تواند قلب ما را برای او باز نماید کلید دعا است . توسط دعای برخاسته از دل همه قفلها شکسته و راه ورود عیسی به زندگی ما باز میشود . منظور از قفلها همه چیزهایی است که به آنها وابستگی شدیدی داریم و راه ورود نجات دهنده مان را به زندگیمان می بندند ، از قبیل پول پرستی و لذت جویی ، غرور و تکبر ، خود خواهی و غیبت گوئی ، کینه توزی و انتقام گیری و ... همچنین از راه قرائت انجیل مقدس و تعمق در آن می توانیم در قلب مان را برای آن مهمان آسمانی با کمال شادی و سرور باز کنیم تا سر سفره زندگی ما بنشیند و با هم شام دوستی و محبت را بخوریم . با قرائت مداوم کلام خدای زنده پیوند محبت و صمیمیت بین ما و عیسی مسیح تقویت و پر بار میشود، او توسط کلامش در ما ساکن میشود. با انجام اعمال خیر و کارهای نیک نسبت به نیازمندان و رنج دیده گان می توانیم صدای عیسی را که پشت در ایستاده و میکوبد را بشنویم و در را برای او باز کنیم ، چون هر خدمتی که برای این عزیزان انجام دهیم برای او انجام میدهیم . (رجوع کنید به انجیل متی باب ۲۵ آیه ۴۰).

برای پایان دادن به این مقاله شایسته است نگاهی به مریم مقدس مادر عیسی و مادر ما داشته باشیم . مریم باکره بیش از هر کس دیگر قلب خود را جهت ورود مسیح پسر

خوشبحال رحم‌کنندگان...

شهامت ...

شهامت داشتن به معنی خالی از ترس بودن نیست. شهامت داشتن اول یعنی ترسهایمان را بشناسیم و به هر یک اسم بدهیم. آن وقت از این مرزهای مشخص شده عبور کنیم تا به آنچه ارزشمند است برسیم. به این ترتیب شهامت ، دیگر یک صفت دست نیافتنی نخواهد بود. امروز ما جوانان با ترسهای زیادی روبرو هستیم، مثلاً نداشتن یک موقعیت ثابت و مناسب از نظر شغلی و بنابراین ناتوانی در تشکیل خانواده و ... امروز انجام انتخاب های صحیح و پخته و بالغ بسیار مشکل می باشند، اما لازم است.

شهامت یک زندگی شاد

شهامت شنا کردن ضد جریان رودخانه و در عین حال شاد زیستن ... برآستی این چگونه شهامت است؟ تصمیم بگیریم که خوشبختی مان را با دیگران بسازیم. با کسانی که ما را همراهی می کنند ، متقابلاً ، سعادت را برای هم تأمین کنیم. هیچ یک از ما کامل نیست بنابراین شهامت در بودن با هم یعنی شناختن ضعف ها و تقویت خصایص ارزشمند یکدیگر. این ممکن می کند که همدردی کنیم و قادر به بخشیدن باشیم. این همان روش عیسی برای زندگی با شاگردانش بود ... او آقای مرگ و مخصوصاً زندگیست.

امید یعنی حرکت برای بنای فردا

برآستی امیدوار بودن را همگی ما بلد نیستیم. امیدوار بودن منتظر ماندن بدون حرکت کردن نیست. یک شخص امیدوار منتظر نمی ماند بلکه حرکت می کند. و آنکه به خدا ایمان دارد همیشه از سوی او به حرکت خوانده می شود. برای ما ایمان داران امید داشتن به نشانه یک رستاخیز روزانه است: برخاستن و بسوی جلو حرکت کردن. نیروی اینکار از سوی روح القدس در ما فعال است. عیسی را در اناجیل بنگرید: همیشه در حال حرکت ، همیشه در پی حل مشکلات. نه چون مطمئن بود قدرت اینکار را دارد ، بلکه اطمینان و تکیه او به حضور پدر و نیروی برخاسته از روح القدس بود. آنچه عیسی به آن اشاره کرد جاده بود ، هر باری که کسی را لمس کرد نیروی پیشروی را در او برانگیخت و حضورش افراد را منقلب می ساخت. اجازه بدهیم که او ما را هم لمس کند.

دوست دارم

این حقیقت است و همیشه حقیقت خواهد ماند: ما همه نیاز به کمی عشق و تفاهم داریم. و این عشق و درک متقابل است که باعث تجلی نیکی و استعدادهای درخشانی می شود که توسط پدر آسمانی به هر یک از ما داده شده است و آن احتمالاً هم می تواند درست باشد که حتی خود ما نیز تا زمانی که شخص دیگری برای اولین بار به ما عشق نورزیده باشد به درک عمیق نیکی و استعدادهای درخشانمان پی نخواهیم برد. بیت های ساده زیر به "رای کرافت" منسوب می باشد.

که از دیدنشان گریزی نیست
و برای نمایان کردن و درخشش تمام داشته های زیبایی که
بجکس دیگری به درستی ندیده بود.

دوست دارم،

زیرا تو مریاری می نایی
تا از چوب درخت زندگی ام
نیک کلبه می حقیر،
بلکه یک عبادتگاه بسازم
و از کارهای روزانه ام

هر روزه

نیک حسرت
بلکه یک آوازی سرایم.

دوست دارم،

زیرا تو بیش از یک کیش و آمین
در بهتر بودم مؤثر بوده ای،
و بیش از هر اعتقادی
مرا همیشه خوشود ساخته ای.

دوست دارم،

نه فقط برای آنچه که هستی،
بلکه برای آنچه که من
بهنگام بودن با تو، ستم.

دوست دارم،

نه فقط برای آنچه که
از خود ساخته ای،
بلکه برای آنچه که
از من می سازی.

دوست دارم،

برای بخشی از وجودم
که از درونم نمایان می کنی،

دوست دارم،

برای اینکه دست را
بر روی قلب رنجور و پر درد من می گذاری
و می گذرانی تمام چیزهای ناخیزوبی ارزش

«امروز چه کار خوبی می توانم بکنم؟»

تصمیم بگیر در روز دست کم یک کار خوب انجام بده
خداوند به وسیله روح که راهنمای واقعی تو در زندگی است
گرچه چندبار ، یا به تعداد بی شمار نباشد.
هر صبح با خداوند حرف بزن و از او بپرس:
«امروز چه کار خوبی می توانم بکنم؟»
او به تو پاسخ می دهد و راهنمایی می کند
چون او در وجود توست.
و تو با درخواست از او ، او را در خودت زنده می کنی
او ممکن نیست بدون اینکه خواسته شود ، خود را آشکار سازد.
یک عمل خوب در روز انجام دهند ، چه سیاره ای خواهد شد!

«رابرت مولر»

چرا عیسی؟؟؟

عیسی به دنیا آمد تا من دوباره متولد شوم.
او فقیر شد تا من مالک ثروتی عظیم گردم.
او بی جا و مکان شد تا من صاحب بنائی پر شکوه گردم.
او برهنه شد تا من همیشه بر تن خود لباسی داشته و پوشیده باشم.
او تنها و طرد شده ، رها گشت ، تا من همیشه دوستانی داشته باشم.
او اسیر شد تا من آزادی کامل یابم.
او غمگین شد ، باشد که من سرشار از شادی گردم.
او حقیر و فروتن شد تا من بلند کرده شوم.
او خادم شد تا من بتوانم برای همیشه فرزند باشم.
او گرسنگی کشید تا من همیشه غذایی برای خوردن داشته باشم.
او گناه شد تا من امروز عدالت او را با دیگران قسمت کنم.
او مُرد تا من هرگز طعم مرگ ابدی را تجربه نکنم.
او پایین خواهد آمد تا من به بالا بروم.

خداوند این همه را انجام داد تا امروز پُری فیض و عدالت و بخشش او در من نمایان باشد و شریک او در تمام برکات سماوی باشم.

دو کلید خوشبختی (انجیل متی ۲۲: ۳۴ - ۴۰)

عیسی به ما می‌گوید که چطور می‌توانیم خوشبخت بشویم. در آغاز مردم از شنیدن حرفها و دیدن کارهای او خیلی تعجب می‌کردند و گاهی هم ناراحت می‌شدند، مخصوصاً وقتی عیسی را با مردم بدکار و بدنام می‌دیدند. اما عیسی به قلب انسان نزدیک می‌شود و برای او ظاهر انسان، تمام حقیقت نیست. گروهی از یهودیان که فریسیان نام دارند، جمع شده بودند تا راهی برای خلاصی از حرفها و کارهای عیسی پیدا کنند، چون برای ایشان تولید مزاحمت می‌کرد. عیسی هم مثل ایشان، یهودی بود و شریعت (احکام) خدا را رعایت می‌کرد. اما فریسیان می‌خواستند بر عکس آن را ثابت کنند.

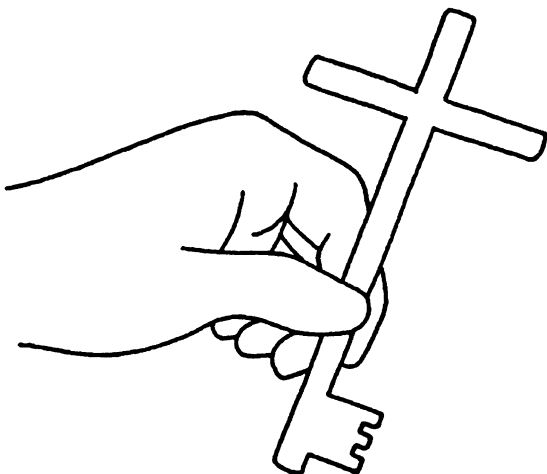
اول خدا

پس از عیسی چنین سؤال کردند: « * استاد، کدام حکم از احکام خدا (*شریعت) بزرگترین است؟ » عیسی جواب داد: « خداوند خدای خود را با تمام دل، تمام جان و تمام فکر خود دوست بدار این اولین و بزرگترین حکم شریعت است. خدا این حکم را به موسی داد. برای دوست داشتن خدا باید وقت گذاشت، یعنی وقتی برای دعا کردن و وقتی برای شنیدن کلام خدا. بله، هر که خدا را دوست می‌دارد، برای نشان دادن آن انرژی خود را نیز مصرف می‌کند»

سایرین هم مثل خودمان

عیسی ادامه داد: « و اما دومین حکم مثل اولین، بسیار مهم است: * همسایه خود را مثل خودت دوست بدار! باید با دیگران چنان رفتار کنیم که می‌خواهیم ایشان با ما رفتار کنند. به هر انسانی باید توجه داشت، حتی آنانی که فکر می‌کنیم لایق نباشند. چون هر طور که باشیم، خدا همیشه آماده محبت کردن به ما است. همه ما در برابر خدا پر ارزش هستیم. این دو حکم خدا راه خوشبخت زندگی کردن را به ما یاد می‌دهند و در حقیقت یک حکم هستند.

نمی‌توانیم بگوییم که خدا را دوست داریم اما انسانی را دوست نداشته باشیم.



پدیده "ترس"

در زندگی هر یک از ما لحظاتی وجود دارند که انسان خودش را کاملاً بی دفاع می بیند ، دلش می خواهد به جای خلوتی برود و تا جا دارد فریاد کند. بله ، زندگی شامل این مراحل هم می شود. در حقیقت باید بدانیم که در هر مرحله ای از زندگیمان بخصوص مراحل که پس از بحران سختی فرا می رسند ، اثر ترس در وجودمان بسیار محسوس است. گاهی ترس ، صرفاً شخصی است و در نتیجه چنین تجربه ای ممکن است شخص مورد نظر انزوا طلب شده و دچار افسردگی شود.

گاهی ترس نتیجه حادثه ایست که برای جماعتی رخ داده و در آن حالت یک همدردی و همراهی در میان افراد آن جماعت رخ می دهد.

خلاصه اثر پدیده ترس بر شخص می تواند قابل جبران باشد و یا بلعکس هرگز رهایش نکند.

ترس چیست؟

متخصصین این رشته می گویند ترس عبارت است از یک سیستم دفاعی شخص ، علامتی است که اعلام خطر می کند.

ترس وقتی بوجود می آید که انسان احساس کند در شرایطی قرار گرفته که قادر به رهایی خود نیست. در چنین مرأتعی ترس باعث می شود تا شخص احساس شکست کند و خودش را کاملاً بی مصرف و بدون فایده بداند.

پس در مقابل ترس چه باید کرد؟

* بعضی در زندگیشان برای رفع آن از مواد مخدر یا الکل استفاده کردند. اما صاحب نظران در این مورد یکی از راه هایی که پیشنهاد می کنند ، صحبت از ترس ما با دیگری است. ایشان معتقدند که صحبت در این زمینه باعث کم شدن از شدت آن و شاید یافتن راهی برای رفع آن می گردد.

* آنچه که مهم است یافتن ریشه این ترس است. ترس همیشه حاکی از واقعه ای در زندگی شخص است. بدانید برای یافتن ریشه های ترس در وجودتان باید قادر به شنیدن خودتان باشید. اگر یک دوست یا شخص مورد اعتماد دارید کارتتان راحت تر می شود. مواظب باشید به خودتان دروغ نگوئید و از پذیرفتن ضعفتان فرار نکنید.

* فروتنی پر ارزش ترین صفت شخص در این مرحله می باشد. هیچ کسی برای خودش بسنده نیست و یک دوست می تواند بهترین آینه برای ملاقات "من" با "من" شود.

* باید بدانید که ترس ریشه در عمیق ترین نیازهای یک انسان دارد. هرچه بیشتر با چهره حقیقی خود آشنا شوی و آن را بپذیری بیشتر در نقشه های آینده ات موفق خواهی بوده چون آرزوهایت روی یک بنا حقیقی علم می شوند.

موفق باشید

اخبار و تقویم کلیسای

یکشنبه ۱۶ آبان ۹۵ = ۶ نوامبر ۲۰۱۶، یکشنبه دوم تقدیس کلیسا.

عهد عتیق: سفر خروج فصل ۳۹ آیه ۳۲ الی فصل ۴۰ آیه ۱۶

رساله: عبرانیان فصل ۸ آیه ۱ الی فصل ۹ آیه ۱۰

انجیل: متی فصل ۱۲ آیه ۱ الی ۲۱

یکشنبه ۲۳ آبان ۹۵ = ۱۳ نوامبر ۲۰۱۶، یکشنبه سوم تقدیس کلیسا.

عهد عتیق: اشعیا نبی فصل ۵۴ آیه ۱ الی ۱۵

رساله: عبرانیان فصل ۹ آیه ۵ الی ۱۵

انجیل: یوحنا فصل ۲ آیه ۱۲ الی ۲۲

یکشنبه ۳۰ آبان ۹۵ = ۲۰ نوامبر ۲۰۱۶، یکشنبه چهارم تقدیس کلیسا.

عهد عتیق: حزقیال فصل ۴۳ آیه ۱ الی ۷

رساله: عبرانیان فصل ۹ آیه ۱۶ الی آخر باب

انجیل: متی فصل ۲۲ آیه ۴۱ الی فصل ۲۳ آیه ۲۲

یکشنبه ۷ آذر ۹۵ = ۲۷ نوامبر ۲۰۱۶، یکشنبه اول سوبارا.

عهد عتیق: اشعیا نبی فصل ۴۲ آیه ۱۸ الی فصل ۴۳ آیه ۱۳

رساله: افسسیان فصل ۵ آیه ۲۱ الی فصل ۶ آیه ۹

انجیل: لوقا فصل ۱ آیه ۱ الی ۲۵

مرد جوانی که مربی شنا و دارنده ی چندین مدال المپیک بود ، به خدا اعتقادی نداشت . او چیزهایی را که درباره خداوند و مذهب می شنید مسخره می کرد.

شبی مرد جوان به استخر سرپوشیده آموزشگاهش رفت . چراغ خاموش بود ولی ماه روشن بود و همین برای شنا کافی بود.

مرد جوان به بالاترین نقطه تخته شنا رفت و دستانش را باز کرد تا درون استخر شیرجه برود. ناگهان ، سایه بدنش را همچون صلیبی روی دیوار مشاهده کرد. احساس عجیبی تمام وجودش را فرا گرفت . از پله ها پایین آمد و به سمت کلید برق رفت و چراغ ها را روشن کرد.

آب استخر برای تعمیر خالی شده بود!